

هدایت با تشویق و تنبیه بجا



مریم السادات پورمسجدی میبدی
کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی،
آموزگار پایه‌ی اول ابتدایی

تشویق و تنبیه نشانه‌ی زنده‌بودن انسان و نشانه‌ی سرحال بودن او و علامتی برای میل و انگیزه‌ی دستیابی به کمال است. در تشویق به میل انسان به گرفتن پاداش و در تنبیه، به میل انسان به دور شدن از عذاب و تنبیه توجه می‌شود. هر دو میل به خداخواهی انسان برمی‌گردد و میل به تشویق بیشتر از تنبیه است؛ ولی با این حال، به دلیل فطری بودن این امیال، انسان در صورت انجام کار اشتباه، تمایل دارد کسی او را تنبیه کند و از روند اشتباه دوری گزیند.

تشویق در عرف به معنای سوق دادن افراد به انجام یا ترک کاری با محرک‌های بیرونی یا درونی، همراه با ایجاد هیجان در آن‌هاست و برای کارهایی که از نظر عقلی یا عرفی نفع و مزیتی دارند، به کار می‌رود. در جامعه با توجه

هفت سال دوم همچنین به «هفت سال ادب» شناخته می‌شود که هم‌هش را برداشته‌اند و به عمد یا به سهو، دبستان شده است. من و شما آمده‌ایم که اینجا ادب بشویم؛ یعنی جهت پیدا بکنیم، بی‌رویه نگاه نکنیم، نشنویم، مطالعه نکنیم، از هر طرف حرکت نکنیم. انسان موحد و مؤمن در تمام لحظات عمرش یک مقصد دارد. در همه‌ی رفتارهایش یک نیت دارد. این یعنی شرایطی را فراهم کنیم که انرژی فرزند ما و توانایی‌های او در جهتی به‌خصوص رشد کند، نه اینکه من آن را شکل بدهم، بلکه خود او به سمت موردنظر بیاید. خودش رعایت کند. می‌خواهیم کم‌کم به سن بلوغ و تکلیف برسد. تکلیفش را خودش بفهمد نه اینکه من به او بگویم. پس ادب، فراهم کردن شرایطی است که طرف بتواند خودش درست تشخیص بدهد، خودش درست تفکر کند، درست دقت پیدا کند، تمیز بدهد، بین حق و باطل و زشت و زیبا، حق و زیبا را انتخاب کند و کار درست را انجام دهد (غفرانی و رضازاده، ۱۳۹۷، صص ۴۴ و ۴۵). ادب‌داشتن به معنای در ضابطه قرار گرفتن است و به این منظور لازم است مرتباً ابتدا در تشخیص حدود و حقوق خود و دیگران و از همه مهم‌تر، حدودی که لازم است برای خداوند مراعات کند، مساعدت و کمک و سپس در پاسداشت رعایت حرمت‌ها و عمل بر اساس تشخیص یاری شود. با توجه به این توضیحات، دوره‌ی دوم را می‌توان دوره‌ی ظهور عبودیت یا دوره‌ی ظهور ادب نیز نام نهاد (اخوت و دیگران، ۱۳۹۷: ص ۳۳).

نظر به حضور مؤثر اولیا، انسان در این دوره‌ی رشدی و ارتباطی که به سبب تلاش برای ظهور مشورت و ادب صورت می‌گیرد، مبحثی در این مورد تحت عنوان «تشویق و تنبیه» مطرح می‌شود.

به باورها، اعتقادات و فرهنگ‌ها معمولاً کالایی یا سخنی برای تهییج و تشویق به افراد عطا و بیان می‌شود. این امر برای افراد کم‌سن‌وسال بیشتر اتفاق می‌افتد و هرچه فرد بزرگ‌تر می‌شود، این‌طور به نظر می‌رسد که به تشویق کمتر نیاز دارد. انسان موجود عجیبی است؛ گاه کار بسیار سختی را با هزاران مانع، به دلیل میل و رغبت، به آسانی انجام می‌دهد و گاه انجام کار آسانی به دلیل دوست نداشتن آن، بسیار برایش سخت است. با رغبت می‌توان میل ناخوشی به چیزی را از بین برد.

رغبت زمانی ایجاد می‌شود که فرد بتواند نسبتی مناسب و مطلوب بین خود و آن چیز برقرار کند که در فارسی به آن دوست‌داشتن و در عربی به آن «حب» می‌گویند. حب به معنای دوست‌داشتنی است که همراهی با آن امری حیاتی و دوری از آن سبب ضرر و فقدان تلقی می‌شود. حب عامل اتصال چیزی به فرد است و به‌عنوان ذخیره‌ی نعمت و هدایت یا گمراهی محسوب می‌شود. هر رغبتی بر مبنای حبی ایجاد می‌شود.

از بین مواردی که به‌عنوان غایت زندگی انسان مطرح است، رشد را می‌توان یکی از کاربردی‌ترین آن غایت‌ها معرفی کرد. در منطق این غایت، برای انسان مرتبه‌هایی از منفعت بر اساس ساختار وجودی‌اش در نظر گرفته شده است که با فعال کردن هر مرتبه، امکان و توان صعود به مرتبه‌های بالاتر فراهم می‌شود (اخوت و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۳). بعد از گذشتن از هفت سال اول زندگی، وابستگی انسان به دیگران کمتر می‌شود؛ اما هنوز تا مستقل شدن کامل فاصله‌ی زیادی را باید طی کند. در این دوران که با عنوان «دوران دوم رشد تفکر اجتماعی» از آن یاد می‌شود، افراد نه آن قدر وابسته‌اند که لازم باشد در همه‌ی امور آن‌ها دخالت کرد و نه آن قدر غیروابسته‌اند که بتوان همه‌چیز را به عهده‌ی خود آن‌ها گذاشت. بر اساس همین موضوع بخشی از وظایف بر عهده‌ی والدین و اولیای جامعه و بخشی دیگر بر عهده‌ی خود افراد است. بر همین اساس در این دوره آنچه مورد تأکید قرار می‌گیرد، تقویت هم‌فکری و خارج شدن از تعصب و پیش‌داوری‌هاست. این موضوع با مشورت صورت می‌پذیرد. مشورت به فردی که در این دوره قرار دارد، می‌آموزد که تصمیم‌گیری امور در واقع به عهده‌ی خود فرد است و او می‌تواند از دیگران در این خصوص استفاده کند (اخوت، ۱۳۹۲: ۱۴).

مشورت یکی از ضروریات زندگی انسان است که در همه‌ی مراحل زندگی حضور فعال دارد و هیچ‌گاه از زندگی انسان قطع نمی‌شود؛ ولی شروع آموزش آن از این دوره آغاز می‌شود.

راه‌های ایجاد بازدارندگی و تنبیه

- آگاهی از خطرهای پیش رو:
 - آگاهی بیشتر = رهب (ترس) بیشتر
 - بیان نتیجه‌های نامطلوب و منفی: شرط این مورد معتبر بودن نتیجه‌ها نزد فرد است.
 - ایجاد محدودیت: بیشتر اوقات لازم نیست فرد از این محدودیت آگاه شود.
 - ایجاد هزینه و غرامت: این مورد باید متناسب با توان فرد باشد.
 - ایجاد کراهت از کارهای اشتباه.
 - بالابردن مراقبت و توجه: با توجه به درونی بودن مراقبت، باید نسبت به آن رغبت وجود داشته باشد.
- تنبیه در این دوره بیشتر با سؤال کردن و فعال کردن مراقبت درونی در کودک صورت می‌گیرد. ترجیح بر آن است که کودک، خودش تنبیه خودش را تعیین کند. مهم آن است که گزاره «برای هر اشتباهی باید هزینه‌ای بپردازم»، برای فرزند فعال شود. اگر در صورت حق انتخاب با سکوت کودک روبه‌رو شدیم، باید به او کمک کنیم که تنبیهی برای خودش تعیین کند. به قدرت انتخاب او کمک کنیم. در این سن باید بسیاری از اشتباهات را نادیده گرفت؛ زیرا تکرار تنبیه در طول روز و هفته، از ابهت آن در ذهن کودک به‌شدت کاسته می‌شود. باید تنبیه در ذهن کودک کار امیدبخشی باشد که سبب جبران بدی‌ها می‌شود. هر قدر تنبیه برای کودک بیرونی‌تر شود یا اینکه به‌گونه‌ای القا شود که در زندگی هیچ تنبیهی او را تهدید نمی‌کند، با تقوا و طهارت بیشتر فاصله می‌گیرد. تشویق کنند و تنبیه‌کننده و تشویق‌شونده و تنبیه‌شونده باید سیر را به سمت درونی‌شدن حرکت دهند و فرد به سمت تقوای درونی حرکت کند. با وجود تمام محاسن تشویق و تنبیه، اگر درونی نشوند و فرد پیوسته در انتظار تشویق و تنبیه دیگران باشد، نمی‌تواند در موقعیت‌های متعدد خود را از خطا و لغزش حفظ کند.
- امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «اساس تشویق و تنبیه دیگران، هدایت آن‌هاست» (اخوت، ۱۴۰۱).

کودک همراه باشد؛ اما سبب تشویق است. نمونه‌ی تشویق‌های مناسب برای این دوره:

۱. نگاه و توجه محبت‌آمیز؛
۲. تشویق‌های کلامی و امتیازدهی‌های ازپیش‌تعیین‌شده یا دفعی؛
۳. عطای چیزی با شور و حرارت؛
۴. از همه مهم‌تر، بزرگداشت کودک و گرمی داشتن او نزد دیگران.

تشویق‌های بی‌ضابطه که سبب توقع کودک در دریافت پاداش در ازای کوچک‌ترین کارها می‌شود، از تشویق‌های ناپسند است. در کنار تشویق، معمولاً از موضوعی به نام «تنبیه» نام می‌بریم. تنبیه در معنای عمومی نوعی جزاست که فرد را آگاه می‌کند تا کار اشتباهی را که موجب متضررشدن خود یا دیگران می‌شود، انجام ندهد و نبود آن موجب هلاکت و خسران است.

بنابراین رغبت‌داشتن به‌صورت مسستقیم با طلب و اراده رابطه دارد و تا رغبت نباشد، اراده و طلب برای انجام امری به وجود نمی‌آید. رغبت‌داشتن سرُّ انجام عمل با طوع، یعنی دلخوشی است و از این حیث با اطاعت که در قرآن بیان شده است، ارتباط دارد. با توجه به شکوفایی بخشی از ساختار وجودی انسان در هر دوره از زندگی، ترغیب نیز در هر دوره‌ی رشد شکل خاص به خود می‌گیرد و هر اشتباهی در این زمینه، می‌تواند زحمات تربیتی والدین و مربی را هدر دهد. در دوره‌ی دوم رشد، کودک وارد محیط آموزش مسستقیم و ارائه‌ی تکلیف می‌شود و نیاز او به تشویق افزایش پیدا می‌کند. چون کودک تفکر کاملاً فعالی ندارد، تشویق باید همچنان بر مدار محبت باشد. محبت با تکریم و عزیزداشتن کودک اتفاق می‌افتد که گاهی حتی ممکن است با به‌سختی‌افتادن



منابع

۱. اخوت. احمدرضا (۱۴۰۱). تشویق و تنبیه در دوره‌های رشد، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (ع).
۲. اخوت. احمدرضا (۱۳۹۲). دوره‌های رشد تفکر اجتماعی (۲) از تکلم تا بلوغ. انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (ع).
۳. اخوت. احمدرضا و دیگران (۱۳۹۷). سند تزکیه و تعلیم، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (ع).
۴. غفرانی. محمدجعفر و رضازاده. یاسر (۱۳۹۷). کودک و ادب، انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (ع).